

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

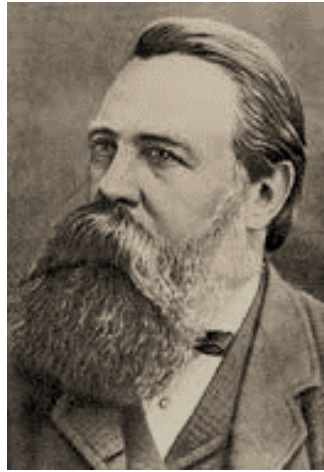
afgazad@gmail.com

Political

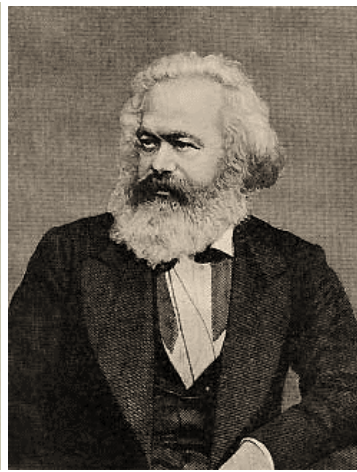
سیاسی

نویسندگان: مارکس-انگلس
برگردان از: حمید محوی
ویراستار پورتال: موسوی
۰۶ فبروری ۲۰۱۹

پرولتاریای جهان متحد شوید!



فردریش انگل



کارل مارکس

گزیده نوشته ها درباره استعمار

۲۵

۴۲- کارل مارکس: تجارت تریاک

تصاحب انحصارات تریاک در هند توسط دولت بریتانیا به منع تجارت تریاک در چین انجامید. مجازات های بی رحمانه ای که قانون گذار چین به تابعین نافرمان خود تحمیل می کرد و ممنوعیت خدشه ناپذیری که در گمرکات برای جلوگیری از ورود تریاک برقرار شده بود، هیچ کدام به نتیجه نرسید و ناکارآمد از آب درآمد. انگلیس ها مقاومت اخلاقی چینی ها را به شکل محسوسی دچار ریزش کردند و به نحوی که مقامات سلطنتی و کارگزاران گمرک و افراد با نفوذ را نیز به بزهکاری آلوده کردند. بزهکاری و فساد که کل دستگاه اداری سرزمین مقدس را آلوده و پایه های ساختار پدر سالاری را دچار فروپاشی کرده بود، در واقع از واردات قاچاق و صندوق های تریاک انبار شده روی کشتی های انگلیس برمی آمد که در وامپوآ لنگر انداخته بودند.

قاچاق تریاک به پشتیبانی کمپانی هند شرقی، با وجود مبارزات حکومت مرکزی بیجینگ، بیش از پیش گسترش یافت و حجم آن در سال ۱۸۱۶ تقریباً معادل ۲۵۰۰۰۰۰۰ دالر بود. نظام مبادلات آزاد بازرگانی در هند به استثنای چای که در انحصار کمپانی هند شرقی باقی مانده بود، به شکل گسترده ای دست قاچاقچیان انگلیس را برای فعالیت هایشان باز گذاشت. در سال ۱۸۲۰ تعداد صندوق هائی که به شکل غیر قانونی وارد چین شده بود به ۵۱۴۷ رسید، در سال ۱۸۲۱ این تعداد به ۷۰۰۰ رسید و در سال ۱۸۲۴ به ۱۲۶۳۹ صندوق افزایش یافت. در طول این سال ها دولت چین فروشندگان خارجی را تهدید می کرد و فروشندگان هنگ را که تبنای شان با آنان شناخته شده بود به مجازات می رساند و به شکل خارق العاده ای مصرف کنندگان بومی تریاک را تحت تعقیب قرار می داد و علاوه بر این دائماً قوانین سخت تری را به گمرک تحمیل می کرد. نتایج چنین اقداماتی موجب شد تا سرانجام در سال ۱۷۹۴ انبار تریاک را به یک محل مطمئن تری برای عملیاتشان منتقل کنند. به این ترتیب ماکائو و وامپوآ را رها کردند و در جزیره لینگتینگ^۱ مستقر شدند که در مدخل رودخانه کانتون واقع شده بود. در این جا یک انبار دائمی روی کشتی ها ایجاد کردند که توسط گروه های تا به دندان مسلح محافظت می شد. به همین ترتیب زمانی که دولت چین موقتاً عملیاتش را با موفقیت علیه خانه های قدیمی کانتون متوقف کرده بود، داد و ستد تریاک فقط از دستی به دست دیگر منتقل شد و از این پس از طریق افراد طبقه پائین انجام می گرفت که دست به هر کاری می زدند و هر خطری را نیز قبول می کردند. به مدد گشایشی که نصیب تجارت تریاک شده بود در طول ده سال یعنی از ۱۸۲۴ تا ۱۸۳۴، ۱۲۸۳۹ صندوق به ۲۱۷۸۵ صندوق ارتقاء یافت.

همانند سالهای ۱۸۰۰، ۱۸۱۶، و ۱۸۲۴، سال ۱۸۳۴ نیز به نقطه عطفی در تاریخ تجارت تریاک تبدیل شد. کمپانی هند شرقی نه تنها امتیاز بازرگانی چای چینی را از دست داد، بلکه به طور کلی از تمام امور بازرگانی برکنار شد. پس از این تحولات اداره امور بازرگانی با چین به دست یک شرکت انگلیسی کاملاً تجارتي و خصوصی افتاد و به شکلی قاطعانه به وظایفش پرداخت که در سال ۱۸۳۷، با وجود مقاومت های ناامیدانه دولت آسمانی از طریق باندهای قاچاقچی ۳۹۰۰۰ صندوق تریاک به چین صادر کرد که معادل ۲۵۰۰۰۰۰۰ دالر بود. در اینجا دو نکته باید توجه ما را به خود جلب کند: نخست آن که از سال ۱۸۱۶ در هر دوره تازه در گسترش بازرگانی با چین بخش قابل ملاحظه ای از آن به قاچاق تریاک اختصاص داشت و در ثانی به نسبت حذف تدریجی منافع صرفاً بازرگانی تریاک برای دولت انگلیسی هند، اخذ مالیات در رابطه با این نوع قاچاق غیر قانونی افزایش یافت. در سال ۱۸۳۷ وضعیت به شکلی بود که دولت چین می بایستی تصمیم قاطعانه ای اتخاذ کند. خروج پول تحت تأثیر صادرات تریاک به خزانه دولت و سپس به شریان های مالی امپراتوری آسمانی سرایت کرده بود. هسو نای-شی^۲ یکی از مردان برجسته دولت چین پیشنهاد کرده بود که با قانونی اعلام کردن تجارت تریاک می توانند از درآمد مالی آن استفاده کنند. ولی پس از بررسی های عمیق که تمام مقامات عالی امپراتوری در آن شرکت داشتند و بیش از یکسال به طول انجامید، دولت چین تصمیم گرفت که «با توجه به مضراتی که این معاملات شرم آور برای مردم دارد، تریاک نباید قانونی اعلام شود». از سال ۱۸۳۰ حقوق گمرکی که بالغ بر ۲۵٪ بود ۳۸۵۰۰۰۰ دالر درآمد داشت که در سال ۱۸۳۷ دو برابر شده بود، ولی حکومت آسمانی بربر از دریافت مالیاتی صرفنظر کرد که درآمد او را به شکل اجتناب ناپذیری به همان نسبتی افزایش می داد که ملت او را به سیر قهقرائی سوق می داد. در سال ۱۸۵۳ هاینفونگ^۳ امپراتور فعلی با وضعیتی باز هم

¹ Lingting

² Hsu Nai-chi

³ Hienfong

اسفناکتر مبارزه می کرد و به بیهوده بودن تلاشهایش برای جلوگیری از صادرات فزاینده تریاک کاملاً آگاه بود و همچنان سیاست خدشه ناپذیر اجدادش را تداوم می بخشید. اجازه دهید خیلی سریع به این نکته اشاره کنم که امپراتور با مجازات مصرف کنندگان تریاک به عنوان مرتدین، در عین حال به چنین ترافیکی تمام مزیت های تبلیغاتی یک مذهب ممنوع را اعطاء می کرد. اقدامات فوق العاده دولت چین در سالهای ۱۸۳۷، ۱۸۳۸ و ۱۸۳۹ که نقطه اوج آن آمدن کمیسر لین^۴ به کانتون بود. تحت نظارت او بود که تریاک قاچاق کشف گردیده و از بین برده شد و همین اتفاق بود که به بهانه ای برای نخستین جنگ انگلیس و چین تبدیل گردید و از دیگر نتایج آن نیز شورش چینی ها، تقلیل خزانه امپراتوری و موفقیت اشغال مناطق شمالی توسط روس ها و گسترش بی سابقه تجارت تریاک در جنوب است. علی رغم معاهده ای که انگلیس ها در خاتمه جنگ امضاء کرده بودند و حاکی از منع تجارت تریاک بود، با این وجود از سال ۱۸۴۳ عملاً بدون هیچ مانعی به ترافیک خود در این زمینه ادامه دادند. واردات تریاک به چین در سال ۱۸۵۶ حدود ۳۵۰۰۰۰۰۰۰ دالر تخمین زده شده است در حالی که در همین سال دولت انگلیسی هند از انحصارات تریاک ۲۵۰۰۰۰۰۰۰ دالر درآمد داشته است، و به عبارت دیگر رقمی معادل یک ششم تمام درآمد ملی. حادثی که به بهانه دومین جنگ تریاک تبدیل شد، به اندازه ای تازه است که نیازی به توضیح ندارد.

با وجود این نمی توانیم این موضوع را ناگفته به حال خود رها کنیم، زیرا تناقضاتی در دعاوی دولت بریتانیا وجود دارد که خود را مسیحی معرفی کرده و هدفش گسترش تمدن در جهان می باشد. به نام دولت سلطنتی ادعا می کند که هیچ ارتباطی با قاچاق تریاک ندارد و حتا معاهده ای را به امضاء می رساند که مبنی بر منع آن است. ولی در مقام دولت هند، کشت خشخاش را به بنگال تحمیل کرده و به این ترتیب به نیروهای مولد این کشور خسارات سنگینی وارد می کند. بخشی از رعایای هندی را به کشت خشخاش مجبور می کند و بخش دیگر نیز پول قرض می دهد که همین کار را انجام دهند، و انحصار کامل تولید این محصول افیونی و زیان بار را در اختیار می گیرد. ارتشی کامل از جاسوسان رسمی در اختیار دارد که بر رشد محصولات نظارت می کنند، و در تحویل آن به اماکن مشخص، و تهیه آن مبنی بر سلیقه مصرف کنندگان چینی، بسته بندی کردن آنها مبنی بر ضروریات قاچاقچیان و سرانجام حمل آن به کلکته، یعنی مکانی که با چوب حراج به دست کارگزاران رسمی دولت به معامله گران به فروش می رسد و سپس به قاچاقچیان سپرده می شود که آنها را به چین وارد کنند. صندوقی که برای دولت بریتانیا ۲۵۰ روپی تمام شده در بازار کلکته حدود ۱۲۱۰ تا ۱۶۰۰ روپی به فروش می رسد. ولی تباری این دولت گسترده تر از این مواردی ست که نام بردیم، زیرا در وارد آوردن خسارات و منافع فروشندگان و دست اندرکارانی که مأمور مسموم کردن امپراتوری هستند شریک است. امور مالی دولت انگلیس در هند نه تنها به تجارت تریاک با چین بستگی دارد بلکه با قاچاق این کالا نیز گره خورده است. اگر دولت چین تجارت تریاک را آزاد اعلام کند و همزمان به کشت خشخاش در چین بپردازد، خزانه انگلیس و هند به مصیبت جدی دچار خواهد شد. با وجود این بی هیچ ابهامی برای فروش آزاد این ماده سمی تبلیغ می کند، ولی مخفیانه انحصار تولید آن را برای خود حفظ کرده است. اگر از نزدیک به خصوصیت مبادلات آزاد بریتانیایی نگاه کنیم، همواره انحصارات را زیر پوشش «آزادی» می بینیم.

کارل مارکس

۳ سپتمبر ۱۸۵۸

نیویورک دلی تریبون شماره ۵۴۳۸-۲۵ سپتمبر ۱۸۵۸

⁴ Lin

۴۳- کارل مارکس : معاهده انگلیس و چین

۱۰ سپتمبر ۱۸۵۸

نیویورک دیلی تریبون/ ۵ اکتوبر ۱۸۵۸ شماره ۵۴۴۶

از دیدگاه بازرگانی، نتیجه تأسف بار معاهده چین توسط سر هنری پوتینجر^۵ که در ۲۹ اگست ۱۸۴۲ به امضاء رسید و به همین گونه تمام معاهدات جدیدی که با تهدید توپخانه به چین تحمیل شد، واقعیتی ست که در حال حاضر حتا لندن اکونومیست^۶ ارگان طرفدار آزادی مبادلات بازرگانی در بریتانیا نیز از آن یاد می کند. این روزنامه به مثابه یکی از ثابت قدم ترین طرفداران تهاجم اخیر علیه چین مجبور شد در برخی امور امیدها و دعاوی اش را با میانه روی بیشتری مطرح کند. اکونومیست با هشدار درباره تأثیر معاهده ۱۸۴۲ روی صادرات بریتانیا نتایج اشتباه آمیز معاهده پیشین را یادآور شد. چنین هشدار، مطمئناً پیشنهاد خردمندانه ای به نظر می رسد. با وجود این، دلایل ارائه شده توسط ویلسن^۷ برای توجیه شکست نخستین تلاش هائی که با توسل به زور و به هدف گشایش بازار چین به روی کالاهای غربی صورت پذیرفته، به هیچ وجه قانع کننده به نظر نمی رسد.

برخی بر این باور اند که مهم ترین عوامل شکست آشکار در باز سازی بازار چین به علت معاملات سوداگرانه در طول سه سال اول بوده است که متعاقباً به معاهده پوتنجر انجامید، و علاوه بر این بازرگانان انگلیس در چین به ندرت به تقاضای چینی ها توجه کرده اند. صادرات انگلیس به چین که در سال ۱۸۳۶ به ۱۳۲۶۳۸۸ لیور استرلینگ می رسید، در سال ۱۸۴۲ به ۹۶۰۰۰۰ لیور کاهش یافت. ارقام زیر رشد سریع و دائمی در طول چهار سال بعدی را نشان می دهد:

در سال ۱۸۴۲ با حجم ۹۶۹۰۰۰ لیور استرلینگ، سال ۱۸۴۳ با حجم ۱۴۵۶۰۰۰ لیور ایترلینگ، سال ۱۸۴۴ با حجم ۲۳۰۵ و سال ۱۸۴۵ با حجم ۲۳۹۶۰۰۰ لیور استرلینگ.

با وجود این، در سال ۱۸۴۶ صادرات نه تنها از میزان سال ۱۸۳۶ به درجه نازلتری سقوط کرد بلکه مصیبتی که خانه های چینی را در لندن در طول بحران ۱۸۴۷ در هم نوردید نشان داد که محاسبات مربوط به صادرات در سال های ۱۸۴۳ تا ۱۸۴۶، به شکلی که در دفاتر رسمی انعکاس یافته به هیچ وجه با واقعیت تطبیق نمی کند. اگر صادر کنندگان انگلیس در مورد حجم کالاهای عرضه شده به مصرف کنندگان چینی دچار اشتباه شدند، در زمینه کیفیت کالاها نیز به خطا رفته بودند. برای تأیید چنین نظریاتی، اکونومیست مطالبی از نوشته های کوک^۸ خبرگزار قدیمی لندن تایمز در شانگهای و کانتون به نقل آورده است:

«در سال ۱۸۴۳، ۱۸۴۴، ۱۸۴۵، هنگام بازگشایی بنادر شمال، انگلیس ها دچار هیجان فوق العاده ای شده بودند. یک شرکت بزرگ به نام شفیلد^۹ مقادیر زیادی کارد و چنگال فرستاده بود، و در این فکر بود که همه نیازمندیهای چین را در زمینه کارد و چنگال تأمین کند. این محصولات به بهائی فروخته شد که به سختی مخارج حمل و نقل آن را تأمین می کرد. یکی از کارخانه های معروف لندن یک مجموعه پیانو فرستاده بود که دچار همین سرنوشت شد. آنچه برای پیانو و کارد و چنگال رخ داد، گریبان پارچه های پشمی و پنبه ای را نیز گرفت، اگر چه با شدت کم تر. منچستر تلاش فوق

⁵ Sir Henry Pottinger

⁶ London Economist

⁷ Wilson

⁸ M.W.Cooke

⁹ Sheffield

العاده ای کرده بود ولی بی آن که طرح پیش بینی شده ای در کارشان باشد و به همین علت وقتی بنادر باز شدند، این تلاشها با شکست مواجه شدند. از آن به بعد در وضعیت رکود درجا زد و فقط منتظر فرصت مناسب باقی مانده است.^{۱۰}

سرانجام، اکونومیست به این علت که می خواست نشان دهد که اموری نظیر کاهش، تثبیت و یا افزایش بازرگانی، به بررسی نیازهای مصرف کنندگان نیازمند است، اموری را که مربوط به سال ۱۸۵۶ می شد از همان نویسنده به عاریت گرفت:

..... ۱۸۵۶ ۱۸۴۶ ۱۸۴۵
..... ۷۴۲۸ ۸۴۱۵ ۷۴۲۸
..... ۴۴۷۰ ۸۰۳۴ ۱۳۳۷۴
..... ۸۸۵۸۳ ۵۶۹۹۶ ۶۲۷۳۱
..... ۲۸۱۷۸۴ ۸۱۱۵۰ ۱۰۰۶۱۵
..... ۵۵۷۹۶۰۰ ۵۳۲۴۰۵۰ ۲۶۴۰۰۹۸

ولی مجموع دلایل و توضیحات چیزی به جز عکس العمل شدید بازرگانی در سال های ۱۸۴۵-۱۹۴۳ را نشان نمی دهد. این که گسترش ناگهانی بازرگانی به انقباض شدید آن انجامیده و یا این که بازار جدیدی در گشایش خود از کالاهای انگلیس اشباع شده، بی آن که نیازهای واقعی یا قدرت خرید مصرف کنندگان به حساب آورده شود، پدیده ای نیست که صرفاً به امور بازرگانی با چین منحصر باشد. در واقع، چنین موضوعی در تاریخ بازار جهانی امری کاملاً عادی ست. پس از سقوط ناپلئون، وقتی که دروازه های قاره اروپا به روی بازرگانی گشوده شد، صادرات بریتانیایی در چنان وضعیت نابرابری در نقطه مفصلی با قابلیت جذب قاره قرار گرفته بود که گذار از جنگ به صلح از محاصره قاره مصیبت بارتر به نظر می رسید.

به همین ترتیب بازشناسی استقلال مستعمرات اسپانیا در امریکا^{۱۱} توسط کانینگ^{۱۲} موجب بحران سال ۱۸۲۵ شد. محصولاتی که به طریق اولی برای آب و هوای مسکو مناسب بود به مکزیکو و کلمبیا ارسال شد. امروز حتا استرالیا با وجود انعطاف پذیری اش، از سرنوشت عام تمام بازارهای جدید در امان نماند و از کالاهای اشباع شد که به علت کمبود مصرف کننده و امکانات، قادر به جذب آنها نیست. ولی در مورد بازار چین باید دانست که از زمان بازگشایی آن بر اساس معاهده ۱۸۴۲ از این ویژگی برخوردار است که صادرات ابریشم و چای چینی به انگلستان دائماً افزایش یافته، در حالی که واردات چینی در زمینه کالاهای صنعتی بریتانیایی، در مجموع، در حالت رکود باقی مانده است. میزان بازرگانی که پیوسته به نفع چین افزایش یافته و می تواند با میزان مراودات بازرگانی بین روسیه و انگلستان قابل مقایسه باشد.

¹⁰ G.W.Cooke : « China : Being « The Times » special Correspondence from China in -7 the year 1857-58 », London 1858, pp.168-169.

¹¹ مستعمره های اسپانیا در امریکای جنوبی و مرکزی پس از مبارزات رهایی بخش ملی استقلال خود را به دست آوردند. در آغاز (از ۱۸۱۰ تا ۱۸۱۵) چندین جمهوری مستقل تشکیل شد که ونزوئلا یکی از آنها بود، ولی انزوای آنها و به دلیل دوری اشرافیت سالاری (آریستوکراسی) کریول (Créole) از مردم، جملگی دوباره به زیر چتر قدرت اسپانیا بازگشتند. از سال ۱۸۱۶، مبارزه برای استقلال وارد مرحله نوینی شد و به تشکیل جمهوری های مستقلی انجامید، به این ترتیب جمهوری مکزیکو و ایالات متحده امریکای مرکزی تشکیل شد که در پی این رویدادها پنج جمهوری کوچک دیگر به وجود آمدند، پس از کلمبیا، ونزوئلا و اکوادور، پاراگوئه، پرو و چیلی. در سال ۱۸۲۵، انگلستان دولتهای لاتین و امریکائی را به رسمیت شناخت، زیرا بورژوازی انگلیس می خواست آنها را در مدار بازرگانی خود قرار دهد، یعنی چیزی که در دوران حاکمیت اسپانیا ناممکن بود. کانینگ وزیر امور خارجه آرزو می کرد که بازارهای نوین به گسترش صنایع و بازرگانی انگلیس بال و پر بدهد.
¹² George Canning

ولی موضوعی که مربوط به روسیه بود از سیاست حمایت از تولیدات داخلی منشأ می گرفت در صورتی که محدودیت های حقوقی در رابطه با واردات به چین از هر کشوری که با انگلستان مرادات بازرگانی دارد کمتر است. ارزش کل صادرات چین به انگلستان که پیش از سال ۱۸۴۲ تقریباً ۷۰۰۰۰۰۰۰ لیور استرلینگ بود، تقریباً در سال ۱۸۵۶ به ۹۵۰۰۰۰۰۰ افزایش یافت. در حالی که پیش از ۱۸۴۲ حجم واردات چای به انگلستان هرگز از ۵۰۰۰۰۰۰۰ لیور عبور نکرده بود، در سال ۱۸۵۶ به ۹۰۰۰۰۰۰۰ لیور می رسد. از سوی دیگر واردات ابریشم چینی به بریتانیا در سال ۱۸۵۲ به شکل قابل توجهی افزایش یافت. ارقام زیر می توانند چنین افزایشی را بازنمایی کند:

سال ۱۸۵۲، ابریشم وارد شده به کیلوگرم ۱۰۹۶۹۴۲، سال ۱۸۵۳، ۱۲۸۷۳۱۶ کیلوگرم، سال ۱۸۵۴، ۲۰۷۵۹۵۹ کیلوگرم به بهای ۳۳۱۸۱۱۲ لیور استرلینگ، سال ۱۸۵۶، ۲۰۱۲۵۲۶ کیلوگرم به بهای ۳۰۱۳۳۹۶ لیور استرلینگ، سال ۱۸۵۶، ۱۶۶۷۴۵۸،۱۶۹ کیلوگرم به بهای ۳۶۷۶۱۱۶ لیور استرلینگ.

حال به حجم صادرات بریتانیا به چین می پردازیم که با لیور استرلینگ برآورد شده است: در سال ۱۸۳۴ حجم صادرات بریتانیا به چین ۸۴۲۸۵۲ لیور استرلینگ، در سال ۱۸۳۵ بالغ است بر ۱۰۷۴۷۰۸ لیور استرلینگ و در سال ۱۸۳۶ این مبلغ به ۱۳۲۶۳۸۸ لیور استرلینگ رسیده و در سال ۱۸۳۸ معادل ۱۲۰۴۳۵۶ لیور استرلینگ بوده است.

پس از گشایش بازار و تصرف هنگ-کنگ به دست انگلیسی ها، سیر تحولی صادرات بریتانیا به چین به عبارت زیر است:

در سال ۱۸۴۵ بالغ است بر ۲۳۵۹۰۰۰، سال ۱۸۴۶ بالغ است بر ۱۲۰۰۰۰۰، سال ۱۸۴۸ بالغ است بر ۱۴۴۵۹۵۰، سال ۱۸۵۲ بالغ است بر ۲۵۰۸۵۹۹، سال ۱۸۵۳ بالغ است بر ۱۷۴۹۹۷، سال ۱۸۵۴ بالغ است بر ۱۰۰۰۷۱۶، سال ۱۸۵۵ بالغ است بر ۱۲۲۲۴۱، و سال ۱۸۵۶ بالغ است بر بیش از ۲۰۰۰۰۰۰.

اکنون میست تلاش می کند تا رکود و نزول نسبی صادرات کالاهای صنعتی بریتانیا به بازار چین را به رقابت خارجی نسبت دهد و برای تأیید چنین تأویلی، دوباره از کوک نقل قول می آورد. بنا بر گفته های این مقام عالی رتبه، در بازار چین انگلیس ها در چند شعبه از بازرگانی در رقابتی منصفانه شکست خوردند، و امریکائی ها در زمینه پارچه کتانی و ماهوتی گوی را بردند. در سال ۱۸۵۶ امریکائی ها ۲۲۱۷۱۶ قطعه پارچه کتانی و ۱۴۴۲۰ قطعه پارچه ماهوتی به شانگهای صادر کردند در حالی که انگلیس ها با ۸۷۴۵ قطعه پارچه کتانی و ۱۲۴۰ قطعه پارچه ماهوتی به میدان آمده بودند. از طرف دیگر، در زمینه پارچه های پشمی، اینطور به نظر می رسد که المانی ها و روس ها رقابت تنگانی با انگلیس ها داشته اند.

چنین مشاهداتی به اندازه کافی به ما نشان می دهند که تا چه اندازه کوک و اکنون میست در محاسباتشان در رابطه با بازار چین دچار اشتباه شده اند. آنها ویژگی هایی را به بازرگانی بین چین و انگلیس نسبت می دهند که کاملاً معادل بازرگانی بین ایالات متحده و امپراتوری آسمانی است. در سال ۱۸۳۷ صادرات چین به ایالات متحده نسبت به واردات چین از این کشور تقریباً ۸۶۰۰۰۰ لیور استرلینگ بیشتر است. پس از معاهده ۱۸۴۲ ایالات متحده سالانه معادل ۲۰۰۰۰۰۰ لیور استرلینگ محصولات چینی در ازای ۹۰۰۰۰۰۰ لیور استرلینگ از محصولات خودشان، دریافت کرده است. در کل واردات شانگهای که در سال ۱۸۵۵ به ۱۶۰۸۴۹ لیور استرلینگ رسیده بود، بی آن که پول نقد و تریاک را به حساب بیاوریم، سهم انگلستان ۱۱۲۲۲۴۱ لیور استرلینگ، سهم ایالات متحده ۲۷۲۷۰۸ لیور استرلینگ و سهم کشورهای دیگر ۲۰۷۹۰۰ لیور استرلینگ است، در حالی که بخش صادرات در کل به ۱۲۶۰۳۵۴۰ لیور استرلینگ رسیده بود که مبلغ ۶۴۰۵۰۴۰ سهم انگلستان بود، و ۵۳۹۶۴۰۶ سهم امریکا و ۱۰۲۰۸۸ به کشورهای دیگر تعلق

داشت. اگر صادرات امریکا که معادل ۲۷۲۷۰۸ لیور استرلینگ است با واردات از شانگهای مقایسه شود، اختلاف آنها به ۵۰۰۰۰۰۰ لیور استرلینگ می رسد. با این وجود اگر رقابت ایالات متحده هر چند ناچیز به ضرر مرادات بازرگانی انگلیس بوده، تا چه اندازه عرصه فعالیت های بازرگانی با بازار چین برای دیگر کشورهای خارجی محدود بوده است.

آخرین استدلالی که برای ضعف قابلیت بازار وارداتی چین پس از بازگشایی آن در سال ۱۸۴۲ ارائه می دهند، انقلاب چین است^{۱۳}. ولی با وجود انقلاب، صادرات به چین ادامه یافت، و تا حدودی در سال ۱۸۵۲-۱۸۵۱ بازرگانی عموماً گسترش یافت و در سرتاسر دوران انقلاب، تجارت تریاک به جای این که کاهش یابد، به شکل سرسام آوری افزایش یافت. در هر صورت باید بپذیریم که تمام موانعی که هر ج و مرج در امپراتوری برای واردات خارجی ایجاد کرده بود، به علت جنگ اخیر دزدان بحری و تحقیری که اخیراً نصیب امپراتوری شد^{۱۴}، به جای کاهش به افزایش آن انجامید.

نتایج بررسی دقیق تاریخ بازرگانی با چین به ما نشان می دهد که به طور کلی در ارزیابی توان قدرت خرید ساکنین امپراتوری آسمانی خیلی اغراق شده بوده است. ساختار اقتصاد فعلی جامعه چین که محور اصلی آن را کشاورزان سنتی و صنایع دستی تشکیل می دهد، واردات هر گونه محصول خارجی را امکان ناپذیر می کند. ولی با وجود این، چین می توانست، بر اساس محاسبه اجمالی که میزان منافع بازرگانی اش با انگلستان و امریکا نشان می دهد، به تدریج حدود ۸۰۰۰۰۰۰ لیور استرلینگ اضافی از محصولات انگلیس و امریکائی را جذب کند، ولی چنین امری در صورتی امکانپذیر می بود که تجارت تریاک حذف می شد. منشأ منطقی چنین نتیجه گیری در تحلیل ساده امور مالی و مبادلات پولی چین نهفته است. زیرا با وجود میزان مثبت بازرگانی قویاً تحت تأثیر واردات تریاک است که حدود ۷۰۰۰۰۰۰ لیور استرلینگ را در بر می گیرد.

جان بول^{۱۵}، اگر چه عادت دارد به اصول اخلاقی خدشه ناپذیر خود ببالد، ترجیح می دهد انفعال میزان بازرگانی اش را متناوباً با دریافت غرامت جنگی باج گیری از چین به بهانه های رایج بین دزدان بحری علیه قربانیانشان جبران کند. ولی فراموش می کند که روش کارتاژ و روش رم برای چپاول ملت های دیگر، وقتی در یک دست انباشت می شود، به شکل اجتناب ناپذیری به تخریب دو جانبه می انجامد^{۱۶}.

ادامه دارد

^{۱۳} در سال ۱۸۵۱ چین صحنه جنبش های ضد فئودالی بود که به جنگ دهقانان تبدیل شد. از ایالت کوانگ-سی Kouang-si در جنوب به مناطق مرکزی و تقریباً تمام بستر پائینی و میانه یانگ-تسه Yang-tse گسترش یافت. شورشیان « سرزمین آسمانی صلح بزرگ» را بنیانگذاری کردند

(«T'ai-ping tan-ho») و ناکین Nankin را به عنوان پایتخت انتخاب کردند. تاپینگ ها فئودال های منجوری را که در چین فرمانروائی می کردند به قتل می رساندند، مالیات ها را لغو کرده و زمین هائی را که تحت اختیار مالکین بزرگ بود تحت اختیار خود گرفته بودند. این جنبش همانند تمام جنبش های دهقانی در شرق هدف مذهبی نیز داشت: و راهبان معابد بودائی که مورد حمایت سلسله منجوری بودند دائماً مورد تهاجم آنها قرار می گرفتند. انقلاب مردم چین علیه فئودالیسم و مهاجمان خارجی بر پا شد ولی نمی توانست شیوه تولید فئودالی را از بین ببرد. «سرزمین آسمانی» صاحب منصبان خاص خود را ایجاد کرد که همین ها سرانجام با طبقات حاکم به توافق رسیدند و به این ترتیب موجبات فروپاشی جنبش را فراهم آوردند. مداخلات آشکار انگلیس، اتازونی و فرانسه مهلک ترین ضربات را به انقلاب وارد ساخت. در آغاز چنین قدرت هائی با اعلام بی طرفی از سلسله منجوری حمایت کردند. در سال ۱۸۶۴ واحدهای نظامیشان در اتحاد با فئودال های چینی، جنبش دهقانی تاپینگ ها را تارومار کردند.

^{۱۴} به مقالات تجارت تریاک، و لشکر کشی جدید انگلیس به چین مراجعه کنید.

^{۱۵} John Bull جان بول نام پرسوناژی ست که انگلستان را بازنمایی می کند و ماهیت نمادینه دارد. جان بول در عین حال معرف سنخیت فرد انگلیسی ست که به شکل Djonn Boule نیز تلفظ می شود و به معنی «جان گاوانر» است.

این پرسوناژ را جان آربوتنوت John Arbuthnot در سال ۱۷۱۲ آفرید و طراحان آن را در جراید و نشریات و کتاب های مصور به کار بردند. جان بول با عمو سام هم گون است.

^{۱۶} مارکس بین روش کارتاژ (فنیقی) برای کسب پول که عبارت بود از حمله به شکل دزدان بحری، و روش رم که ملت ها را تحت فشار مالیات قرار می دادند، تفکیک قائل می شود.